

خدمتگزاری به مردم در سیره و سخن امام حسین

<?xml encoding="UTF-8?">

یکی از مهم ترین آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام خدمت به مردم و نیازمندان جامعه است . از دیدگاه مکتب حیاتبخش اهل بیت علیهم السلام خدمتگزاری به افراد جامعه، حد و مرزی ندارد و یک دین باور حقیقی در تمام صحنه های زندگی با الهام از رهبران آسمانی خویش می کوشد تا باری را از دوش دیگران بردارد و خدمتی را به بشر ارائه کند؛ گر چه فرد مخدوم، هم کیش او نباشد، البته خدمت به اهل ایمان اهمیت ویژه ای دارد . امام حسین علیه السلام با تاکید بر این باور و حیانی می فرماید:

«اعلموا ان حوائج الناس اليكم من نعم الله عليكم فلا تملوا النعم فتتحول الي غيركم؛ (1) بدانید نیازمندیهای مردم که [به شما مراجعه می کنند] از نعمتهای الهی است پس نعمتها را افسرده نسازید [یعنی مبادا با رنجاندن مردم نیازمند کفران نعمت کنید] که این وظیفه خدمت رسانی به دیگران محول خواهد شد .»

بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در پیامی جهانی به پیروان خود چنین رهنمود می دهد:

«ایما مسلم خدم قوما من المسلمين الا اعطاه الله مثل عددهم خداما فی الجنة؛ (2) هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند خداوند متعال به تعداد آنان، خدمتگزارانی را در بهشت به او عطا خواهد کرد .»

اساسا یکی از مهم ترین آرزو و درخواستهای ائمه اطهار علیهم السلام از خداوند متعال توفیق خدمتگزاری به مردم بوده است و آنان این خواسته ارزشمند خویش را در قالب دعاها و سخنان گهربار خویش ابراز می نمودند . امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق با پروردگار متعال چنین نجوا می فرماید:

«واجر للناس علی یدی الخیر ولاتمحقه بالمن (3) ; خداوند! انجام کارهای خیر را برای مردم، به دست من اجرا کن و خدمات نیکم را با منت گزاری ضایع مگردان .»

رفع نیاز حاجتمندان و کمک به ارباب رجوع، از نکات قابل توجهی است که در جوامع حدیثی و منابع فقهی بخشهای مستقلی برای آن منظور شده است . «قضاء حاجة المؤمن» ، «خدمة المؤمن» ، «الاهتمام بامور المسلمين» ، «الطاف المؤمن و اکرامه» برخی از عناوین این ابواب است . در متن این گفتارهای سودمند، افزون بر ثوابهای اخروی خدمت رسانی، به نتایج پربار این صلت خداپسندانه در دنیا نیز اشاره شده است . در یکی از همین روایات، حضرت سیدالشهداء علیه السلام به خدمتگزاران راستین به مردم نوید می دهد:

«من نفس کرية مؤمن فرج الله عنه كرب الدنيا والاخرة (4) ; هر کس اندوهی را از دل یکی از اهل ایمان بزداید، خداوند متعال غصه های دنیا و آخرت او را از میان برداشته [مشکلاتش را حل خواهد نمود] .» بنابراین خدمت رسانی در جامعه اسلامی، بویژه از سوی کارگزاران و مسئولان و صاحبان قدرت و مال و متنفذان، امری لازم و ضروری است . و شایسته است که هر مسلمان وظیفه شناس و مسئولیت پذیر در هر پست و مقامی که باشد در امر خدمت رسانی همت نماید و تلاش خود را مضاعف گرداند .

خاطر ناشاد را دلشاد کردن همت است

باغ آفت دیده را آباد کردن همت است
صید مرغان حرم کردن ندارد افتخار
طایری را از قفس آزاد کردن همت است
نان بریدن شیوه مردان والا نیست، نیست
نان برای نوع خود ایجاد کردن همت است
در زمان ناتوانی یاد یاران فخر نیست
روز قدرت از ضعیفی یاد کردن همت است

در این نوشتار سعی شده که عمل مقدس خدمت رسانی در سیره و سخن شاخص ترین الگوی خدمتگزاران، یعنی حضرت سیدالشهداء علیه السلام بررسی شده و برخی از زیباترین رفتارها و گفتارهای آن خادم راستین امت اسلام و جامعه بشری به خوانندگان بزرگوار عرضه شود؛ زیرا آن حضرت، پناه بی پناهان، دستگیر یتیمان و اسوه کامل خدمتگزاران است. حضرت مهدی علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به آن بزرگوار می فرماید:

«كنت ربيع الايتام وعصمة الانام وعز الاسلام ومعدن الاحكام وحليف الانعام؛ [ای جد بزرگوار!] تو بهار یتیمان، حافظ وپناه مردم، مایه سرافرازی اسلام، کانون احکام و معارف الهی و هم پیمان بخشش و احسان بودی.»

آری امام حسین علیه السلام نمونه بارز خدمتگزاری و خدمت رسانی به مردم دردمند بود، او با اعمال و رفتار خویش نه تنها گرهی راز زندگی گرفتاران باز می کرد بلکه چگونه خدمت کردن به دیگران را به علاقه مندان خویش و بشر دوستان عالم عملاً آموزش می داد.

آداب خدمت رسانی

در سیره امام حسین علیه السلام در زمینه خدمت رسانی نکات ظریفی وجود دارد که دقت بیشتر خادمان دلسوز را می طلبد. توجه به شخصیت و حیثیت افراد در امر خدمت رسانی از مهم ترین ویژگیهایی است که شایان توجه می باشد؛ چرا که اگر در ضمن اجرای نیکی و احسان و کمک به ارباب رجوع به عزت نفس و آبروی افراد بی توجهی شود، نه تنها عمل خدمت رسانی نتیجه مثبت نخواهد داد بلکه مایه انزجار و نفرت نیز خواهد بود. در این صورت شیرین ترین ثمره خدمت به تلخ ترین خاطره ها تبدیل خواهد شد؛ به همین جهت، حضرت سیدالشهداء علیه السلام به این نکته لطیف توجه خاصی داشت و در مواجهه با نیازمندان این شیوه را رعایت می کرد. دو نمونه از رفتار آن حضرت را در این زمینه با هم می خوانیم:

1. روزی شخصی از انصار برای حل مشکل خود به پیشگاه آن بزرگوار آمد. او هنوز لب به سخن نگشوده بود که امام علیه السلام از چهره نگران و سیمای گرفته او، دردها و رنجهای درونی اش را دریافت و به وی فرمود:

«يا اخا الانصار صن وجهك عن بذلة المسالة وارفح حاجتك في رقعة فاني آت فيها ما سارك انشاءالله؛ ای برادر انصاری، خواسته ات را به صورت شفاهی مطرح نکن. خواسته خود را در کاغذی بنویس تا انشاءالله من با انجام دادن آن، موجبات خوشحالی تو را فراهم آورم.»

او نیز در نامه ای چنین نوشت:

«يا ابا عبد الله، من به فلانی پانصد دینار بدهکارم و او مرا تحت فشار قرار داده، با او صحبت کن تا به من مهلت دهد.»

امام نامه اش را مطالعه کرده و سپس به درون منزل رفت و کیسه ای حاوی هزار دینار آورد و به مرد انصاری داد و

به او فرمود:

«پانصد دینار آن را به طلبکار خود پرداخت کن و باقیه این پول به زندگی ات سامان ده.»

و در ادامه افزود:

«ولاترفع حاجتک الا الی احد ثلاثة: الی ذی دین، او مروة، او حسب، فاما ذوالدین فیصون دینه واما ذوالمروة فانه یستحیی لمروته واما ذوالحسب فیعلم انک لم تکرّم وجهک ان تبذله له فی حاجتک فهو یصون وجهک ان یردک بغیر قضاء حاجتک (5)؛ [ای برادر، اگر روزی گرفتار شدی] مشکل خود را به جز برای سه کس اظهار نکن: 1. افراد دیندار؛ 2. جوانمرد؛ 3. انسانهایی که شرافت خانوادگی دارند.

دیندار برای حفظ دین خود [به تو یاری می رساند] و جوانمرد به سبب مردانگی خود حیا می کند [و به کارت رسیدگی می کند] و فرد اصیل و شریف نیز می داند که تو با رفتن نزد او از آبرویت مایه گذاشته ای و برای انجام دادن خواسته ات کوشیده، آبرو و شخصیت تو را حفظ می کند.»

2. روزی مردی بینوا که بر اثر فشار زندگی جانش به لب رسیده و دستش از همه جا کوتاه شده بود به امید رسیدن به نوایی به مدینه آمد. او در آنجا از کریم ترین و سخی ترین فرد سؤال کرد. به او گفته شد: حسین بن علی علیه السلام شریف ترین و سخی ترین فرد مدینه است. مرد بینوا در جستجوی آن امام بزرگوار به مسجد آمد و حضرت را در حال نماز دید. او در همان جا با خواندن ابیاتی خواسته اش را مطرح نمود:

«لم یخب الان من رجاک و من

حرک من دون بابک الحلقة»

«تا به حال ناامید و مایوس نشده هر کسی که به تو امید بسته و درب خانه ات را کوبیده است.»

«انت جواد وانت معتمد

ابوک قد کان قاتل الفسقة»

«تو بخشنده ای و تو مورد اعتمادی و پدرت نابود کننده افراد فاسق و تبهکار بود.»

امام حسین علیه السلام بعد از شنیدن سخنان وی رو به قنبر کرد و فرمود:

«آیا از مال حجاز چیزی بجای مانده است؟» قنبر گفت: «بلی، چهار هزار دینار داریم.» امام فرمود: «قنبر! آنها را

حاضر کن که این شخص در مصرف آنها از ما سزاوارتر و نیازمندتر است.»

سپس امام به منزل رفت و ردای خود را - که از برد یمانی بود - از تن در آورد و دینارها را در آن پیچید و از لای در به آن مرد نیازمند داد و اشعار او را نیز با ابیاتی چنین پاسخ فرمود:

«خذها فانی الیک معتذر

واعلم بانی علیک ذوشفقة»

«اینها را از من قبول کن، من از تو عذر می خواهم و بدان که من برای تو مهربان هستم.»

«لو کان فی سیرنا الغداة عصا

امست سمانا علیک مندفعة» «اگر امروز قدرت و حکومتی داشتیم و دست ما بازتر بود، مطمئناً آسمان جود و

رحمت ما بر تو ریزش می کرد.»

«لکن ریب الزمان ذوغیر

والکف منی قليلة النفقة»

«ولی حوادث روزگار در حال دگرگونی و تغییر است و بخشش من اندک شده است.»
مرد نیازمند هدایای امام را از لای در گرفت و گریست. امام پرسید: «آیا عطای ما را کم شمردی؟» گفت: «نه، هرگز بلکه به این نکته می اندیشم که این دستان پر مهر و با سخاوت چگونه در زیر خاک پنهان خواهد شد (6) !»

رفتار دل پذیر

اگر در مواردی انسان نتواند نیاز حاجتمندی را برآورد، شایسته است که او را با زبان خوش و رفتاری دل انگیز راضی کند؛ چرا که برای خدمتگزار وظیفه شناس همیشه کمک مالی به درماندگان ممکن نیست؛ ولی او می تواند با رفتار دل پذیر خود، مرهمی بر زخم دردمندان، بگذارد؛ همچنان که رسول گرامی اسلام می فرماید:
«انکم لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهکم باخلاقکم؛ (7) شما هرگز نمی توانید همه مردم را با بذل مال [راضی کرده] و گشایشی در زندگی بر ایشان ایجاد کنید ولی با اخلاق خوشتان آنان را خشنود کنید.»
بر همین اساس، حضرت امام حسین علیه السلام گاهی که برایش رفع گرفتاری مستمندان مقدور نبود با گشاده رویی و رفتاری خوشایند مراجعان را راضی می فرمود. یکی از این مصادیق را مرور می کنیم:
آن حضرت نشسته بود که فرد نیازمندی به آن بزرگوار مراجعه کرد و اظهار داشت: ای پسر رسول خدا، به دادم برس! فلان شخص از من طلبکار است و می خواهد مرا زندانی کند. امام حسین علیه السلام فرمود: «والله ما عندی مال اقضى عنک؛ به خدا قسم! الان هیچ پولی ندارم که بدهی تو را پرداخت نمایم.»
مرد بدهکار گفت: «پس لااقل با او گفتگو کن شاید رایش عوض شود.»
امام فرمود: «من هیچ گونه آشنایی با طلبکار تو ندارم، اما از پدرم امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من سعی فی حاجة اخیه المؤمن فکانما عبدالله تسعة الاف سنة، صائما نهاره، قائما ليله؛ (8) هر کس در راه حل مشکل برادر ایمانی خود تلاش نماید چنان است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده در حالی که روزها را روزه گرفته و شبها را به عبادت گذرانیده باشد.»
به همین جهت اگر نتوانیم خدمتی به نیازمندان بکنیم، رفتار خوشایند، می تواند تا حدودی از دردهای درونی افراد رنجور کاسته و موجب آسایش خاطر آنان باشد. شاعری خوش ذوق این نکته را چنین ترسیم کرده است:

آرزو دارم که گر گل نیستم، خاری نباشم
باربرداری زدوشی نیستم باری نباشم
گر چه نتوانم ستانم حق مظلومی ز ظالم
باری این خواهم که همکار ستمکاری نباشم
نیستم گر نوشدارویی برای دردمندی
نیز بابی دست و پایی نیش جراری نباشم

امام حسین علیه السلام و بیماران نیازمند

عیادت از بیماران نیازمند از ویژگیهای مهم سالار شهیدان بود. آن حضرت با ملاقات آنان علاوه بر دلجویی و تسکین آلام روحی و جسمی بیماران و دردمندان، به مشکلات مادی و اقتصادی آنان نیز رسیدگی می کرد؛ چرا که مریضهای فقیر و مستمند بیش از آنکه در اندیشه سلامتی خود باشند به فکر بدهکاریها و نیازهای مادی خود

هستند و این مشکل از نظر روحی و روانی شدیداً آنان را می‌آزارد . به همین جهت بر افراد توانمند و مرفه جامعه مسلمین لازم است که به این موارد توجه بیشتری داشته باشند و همچنان که در فکر رفاه و آسایش خود و خانواده هایشان هستند در اندیشه این گروه دردمند نیز باشند .

«ابن شهر آشوب » می نویسد:

«روزی امام حسین علیه السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامة بن زید رفت . او در بستر بیماری آه و زاری می کرد و مکرر می گفت: ای وای از دست غم و اندوه! حضرت از او پرسید: چه اندوهی داری؟ اسامة گفت: بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، تمام وجودم را فرا گرفته است . امام حسین علیه السلام فرمود: ناراحت نباش! من بدهیهای تو را پرداخت می کنم . اسامة گفت: می ترسم قبل از پرداخت بدهیهایم بمیرم . حضرت فرمود: من تمام بدهی هایت را قبل از مرگ تو می پردازم .

حضرت اباعبدالله علیه السلام همچنان که وعده داده بود قبل از مرگ اسامة تمام قرضهای وی را پرداخت (9) .»

خدمت به ضعیفان و یتیمان

امام حسین علیه السلام بسان همه پیشوایان معصوم در خدمت رسانی به محرومان و یتیمان، برنامه ویژه ای داشت و آن حضرت منتظر نمی ماند که یتیمی به او مراجعه کرده، نیازهایش را بازگو کند . سرور آزادگان جهان برای رسیدن به درجات خدمتگزاران حقیقی، خود پیشقدم می شد و به طور ناشناس و در دل شبهای تاریک به رفع مشکلات یتیمان، بیوه زنان و محرومان جامعه می پرداخت . او همچون پدر ارجمندش حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام آن چنان در این امر مهم اهتمام داشت و کار خود را به صورت غیر محسوس انجام می داد که تا قبل از شهادتش مردم عادی از یتیم نوازی و خدمات محرومیت زدایی آن جناب آگاهی نداشتند .

«شعیب بن عبدالرحمن خزاعی » در این زمینه می گوید: «بعد از حماسه عاشورا، مردان قبیله بنی اسد - هنگامی که خواستند جسد مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام را دفن کنند - بر دوش آن حضرت، اثر زخمی یافتند که کاملاً از جراحتهای جنگی متفاوت بود؛ زخم کهنه ای بود که هیچ شباهتی به زخمهای روز عاشورا نداشت . از امام سجاد علیه السلام در این مورد سؤال کردند . آن حضرت در پاسخ فرمود:

«هذا مما ينقل الجراب علی ظهره الی منازل الارامل والیتامی؛ (10) این زخم بر اثر حمل کیسه های غذا و به دوش کشیدن هیزم به خانه های بیوه زنان و یتیمان است .»

شهریاری که به شب برقع پوش

می کشد بار گدایان بر دوش

ناشناسی که به تاریکی شب

می برد نان یتیمان عرب

خدمت به قدر معرفت

در سیره امام حسین علیه السلام خدمت رسانی به هر کسی به اندازه معرفت اوست . زیرا پرسودترین سرمایه هر کسی گوهر معرفت و علم و ادب است و تمام امور زندگی و فلسفه خلقت انسان برای وصول به این مقام است و این سرمایه جاویدان - برخلاف سرمایه های مادی - در دنیا و عقبی با انسان همراه است .

همچنان که گفته اند:

گوهر معرفت آموز که با خود ببری

که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

شخصی به حضور پیشوای سوم آمد و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، من خون بهایی را عهده دار شده ام اما در پرداخت آن ناتوانم . به ناچار پیش خود فکر کردم این مشکل را با کریم ترین مردم عصر در میان بگذارم و هر چه جستجو کردم کریم تر از شما نیافتم .»

امام علیه السلام به او فرمود: «ای برادر! من سه سؤال از تو می کنم; اگر یکی را پاسخ دادی 13 بدهی ات را می پردازم و اگر دو تا را جواب گفתי 23 و اگر همه را صحیح پاسخ دادی تمام بدهی ات را خواهم پرداخت!!!»
مرد ناتوان با لحنی عاجزانه گفت: «ای فرزند رسول الله! آیا شخصی مثل شما - که از خاندان علم و شرف و فضیلت هستی - از کسی مثل من سؤال می کند؟!»

امام حسین علیه السلام فرمود: «بلی، از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: المعروف بقدر المعرفة، نیکی [و خدمت به دیگران] به قدر معرفت [آنها] ست .»

مرد گفت: «در این صورت هر چه می خواهی بپرس!» و امام با آن مرد چنین گفتگو کرد:

- «کدام عمل، فضیلت بیشتری دارد؟»

- «ایمان به خدا»

- «راه نجات از هلاکت چیست؟»

- «اعتماد به خدا»

- «آرایش و زیبایی حقیقی افراد در چیست؟»

- «علم و دانشی که با حلم و بردباری توأم باشد .»

- «اگر آن نبود؟»

- «ثروتی که با انصاف و مروت همراه باشد .»

- «اگر آن هم نبود؟»

- «فقر و محرومیتی که با صبر و پایداری تحمل شود .»

- «اگر آن هم نباشد؟»

- «در این صورت بهتر است بلایی از آسمان آمده، چنین فردی را نابود کند که او شایسته همین است .»

در اینجا امام حسین علیه السلام خندید و مبلغ هزار دینار به وی عطا کرد . آنگاه انگشتر مبارکش را که نگینی به ارزش دویست درهم داشت به عطایش افزود و فرمود: «یا اعرابی! اعط الذهب الی غرمائك واصرف الخاتم فی نفقتک; ای مرد عرب، طلا را به طلبکارانت بده و انگشتر را در مصارف شخصی خود خرج کن .»

مرد بدهکار با خوشحالی تمام هدیه امام را گرفت و در حالی که آیه «الله اعلم حیث یجعل رسالته» را قرائت می کرد، از حضور امام حسین علیه السلام مرخص شد . (11)

هشدار به مسئولان

سرور آزادگان جهان، اندکی قبل از هلاکت معاویه، در خطبه ای حساس و تاریخی در سرزمین منا به مسئولان جامعه اسلامی و عالمان و حاکمانی که در اجتماع نقش مؤثری دارند، اما در مورد خدمت رسانی به فقرا،

محرومان و نیازمندان جامعه کوتاهی می کنند سخنانی هشدار دهنده بیان می فرماید و نکات مهمی را در این زمینه به آنان یادآور می شود .

آن حضرت در بخشی از سخنان خود به تضييع حقوق مستضعفان و محرومان جامعه اشاره می فرماید و از بی توجهی مسئولان جامعه به مسائل خدماتی انتقاد می کند و می فرماید:

«فاما حق الضعفاء فضيعةم واما حقكم بزعكم فطلبتم، فلا مالا بذلتموه، ولا نفسا خاطرتم بها للذي خلقها و لاعشيرة عاديتموه في ذات الله، انتم تتمنون على الله جنته ومجاورة رسله وامانا من عذابه؟! ;

[شما ای بزرگان و مسئولان جامعه!] حق ضعیفان را پایمال نمودید و آنچه را که حق خود تصور می کردید طلب کردید ولی در راه خدا نه مالی بخشش کردید و نه جانتان را به مخاطره انداختید و نه از اقوام و بستگان خود برای رضای خدا بریدید . آیا [با این پرونده سیاه و اعمال زشت] بهشت خداوند و همجواری پیامبران او را آرزو می کنید و با این حال می خواهید از عذاب خدا در امان بمانید؟!»

سالار شهیدان در فراز دیگری از کلمات بیدارگرانه و کوبنده خود به وضعیت اسف بار و نابسامان مستضعفان و بیچارگان می پردازد و می فرماید:

«وقد ترون عهود الله منقوضة فلا تفزعون وانتم لبعض ذمم آبائكم تفرعون وذمة رسول الله مخفورة، و العمی والیکم والزمن فی المدائن مهملة لاترحمون و لافی منزلتکم تعملون ولامن عمل فیها تعنون وبالادهان والمصانعة عند الظلمة تامنون؛ (12)

شما می بینید که پیمانهای الهی شکسته می شود ولی هیچ فریاد نمی کشید در حالی که برای بعضی از پیمانهای پدرانتان آشفته خاطر می شوید . اینک پیمانهای رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد بی اعتنائی قرار گرفته و نابینایان، اشخاص کر و زمینگیر در همه شهرها بی سرپرست مانده اند، به آنان رحم نمی کنید و مطابق شان و منزلت خود عمل نمی کنید و به کسانی که در این راه خدمت می کنند توجه نمی کنید و با چرب زبانی و سازش با ستمکاران خود را در حاشیه امن قرار داده اید .»

امام حسین علیه السلام خودداری از رسیدگی به محرومان و نیازمندان را از بدترین صفات حاکمان می دانست و همواره می فرمود:

«شر خصال الملوك: الجبن من الاعداء والقسوة على الضعفاء والبخل عند الاعطاء؛ (13) بدترین صفات حاکمان، ترس از دشمنان، قساوت بر ضعیفان و خودداری از بخشش در موقع عطا می باشد .»

آن حضرت علاوه بر حمایتهای عملی خویش از محرومان جامعه بر ضرورت خدمت رسانی به نیازمندان تاکید کرده، در گفتارها و اشعارش این اعتقاد خود را ابراز می نمود .

نمونه ای از اشعار آن بزرگوار را می خوانیم:

«إذا جادت الدنيا عليك فجديها

على الناس طرا قبل ان تتفلت »

«آنگاه که دنیا به تو روی خوش نشان داد [و برایت امکاناتی فراهم شد] تو هم از آن به نفع نیازمندان و

مستمندان بهره گیر، قبل از آنکه از دستت بیرون رود .»

فلا الجود یفنیها اذا هی اقبلت

ولا البخل یبقیها اذا ما تولت »

(14) «نه بخشش تو آن را - هر گاه به تو روی آورد - از بین خواهد برد و نه بخل تو، آن را - هر گاه به تو پشت

کند - باقی خواهد گذاشت .»

آثار خدمتگزاری

حضرت حسین بن علی علیه السلام برای توسعه امر خدمت رسانی در جامعه، مردم را از آثار این امر مقدس آگاه کرده، می فرماید:

«فمن تعجل لآخيه خيرا وجاهه اذا قدم عليه غذا ومن اراد الله تبارك وتعالى بالصنيعة الى اخيه كافاه بها في وقت حاجته وصرف عنه من بلاء الدنيا ما هو اكثر منه ومن نفس كربة مؤمن فرج الله عنه كرب الدنيا والآخرة؛ (15) هر کس برای نیکی [و خدمت رسانی] به برادر خود بشتابد فردا نتیجه آن را خواهد دید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود یاری نماید خداوند او را به هنگام نیازمندی یاری خواهد کرد و بیشتر از آن او را از بلاها و گرفتاریها دور خواهد ساخت و آن کسی که اندوه و غم را از دل مؤمنی بر طرف نماید، خداوند متعال غم و غصه های دنیا و آخرت [او] را برطرف خواهد نمود .»

مهم ترین شرط خدمتگزاری

در خدمتگزاری به مردم یک شرط اساسی وجود دارد که بدون آن عمل نیک، ارزش واقعی خود را از دست خواهد داد و آن اینکه خدمت به مردم باید از راه صحیح و پاکیزه انجام پذیرد . و بر اساس تقوا و پاکدامنی و برای خدا باشد وگرنه خدمت رسانی به خاطر مقاصد نفسانی و هواهای شیطانی هیچ گونه تاثیری نخواهد داشت؛ چرا که عمل خیر باید از راه خیر و نیک انجام پذیرد؛ همچنان که خداوند متعال می فرماید:

«انما يتقبل الله من المتقين» (16) ؛ «خداوند متعال فقط از پرهیزگاران [اعمال نیک] را می پذیرد .»

در این راستا امام حسین علیه السلام رهنمودهای ارزنده ای به جامعه بشری عرضه نموده است . هنگامی که به آن حضرت خبر دادند «عبدالله بن عامر» - از کارگزاران بنی امیه - چنین و چنان صدقه داده و عده زیادی برده آزاد کرده است، امام علیه السلام فرمود:

«مثل عبدالله بن عامر همانند کسی است که از حاجیان و راهیان خانه خدا سرقت کرده و سپس اموال دزدی را صدقه می دهد .» آنگاه افزود:

«انما الصدقة الطيبة صدقه من عرق فيها جبينة واغبر فيها وجهه؛ صدقه پاکیزه، صدقه کسی است که در راه

کسب آن پیشانی اش عرق کرده و صورتش غبارآلود شده است .»

وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «منظور حضرت سید الشهداء علیه السلام چه کسی بوده است؟»

فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام .» (17)

پی نوشت ها :

(1) مستدرک الوسائل، ج 12، ص 369 .

(2) اصول کافی، باب خدمت به مؤمن، ح 1 .

(3) صحیفه سجادیه، دعای 20 .

(4) کشف الغمه، ج 2، ص 29 .

- (5) تحف العقول، ص 247 .
- (6) بحارالانوار، ج 44، ص 190 .
- (7) الاختصاص، ص 225; ميزان الاعتدال، ج 2، ص 429 .
- (8) بحارالانوار، ج 71، ص 315 .
- (9) مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 221 .
- (10) همان، ج 4، ص 66; بحارالانوار، ج 44، ص 190 .
- (11) بحارالانوار، ج 44، ص 196 .
- (12) تحف العقول، ص 237 و 238 .
- (13) العوالم، الامام الحسين عليه السلام، ص 62 .
- (14) المناقب، ج 4، ص 66 .
- (15) كشف الغمه، ج 2، ص 29 و 30 .
- (16) مائده/27 .
- (17) دعائم الاسلام، ج 2، ص 329; مستدرک الوسائل، ج 7، ص 244 .